

## رابطه سبک زندگی و تصور بدن؛ مطالعه موردی: زنان شهر شیراز

بیژن خواجه‌نوری<sup>۱</sup>

استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

علی روحانی<sup>۲</sup>

دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

سمیه هاشمی<sup>۳</sup>

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی توریسم دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۸/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۲۰

### چکیده

مطالعه حاضر، رابطه سبک زندگی به‌عنوان شاخصی از فرایند جهانی شدن را با تصور بدن مورد بررسی قرار داده است. بدین منظور ۸۰۵ زن ساکن شیراز با استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک انتخاب شدند. با توجه به نظریات موجود و مطالعات انجام‌شده قبلی، چارچوب نظری تحقیق بر اساس نظریه گیدنز، تنظیم و بر اساس آن شش فرضیه مطرح شده است. اطلاعات مورد نیاز با روش پیمایشی و پرسشنامه‌ای خودگزارشی جمع‌آوری شد. به منظور تحلیل و تبیین داده‌ها، روش‌های آماری تحلیل پراکنش یک‌طرفه و رگرسیون چندمتغیره به کار گرفته شد. نتایج به‌دست‌آمده نشان داده‌اند از میان عوامل تأثیرگذار بر تصور بدن، تنها سبک‌های فراغتی، مذهبی و موسیقایی مدرن به ترتیب توانسته‌اند بر روی هم بیش از ۲۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. از این میان به غیر از سبک‌های مذهبی که دارای رابطه‌ای منفی با تصور بدن بوده‌اند، سایر سبک‌ها رابطه مثبتی با متغیر وابسته داشته‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** سبک زندگی، تصور بدن، جهانی شدن، زنان

1. bkhaje@rose.shirazu.ac.ir

2. aliruhani@gmail.com

3. heshemi.somaye.65@gmail.com

## مقدمه و طرح مسئله

دورکیم با تقسیم‌بندی جوامع به ارگانیک و مکانیکی، شاید نخستین جامعه‌شناسی باشد که به صورت غیرمستقیم بر تمایز و تفاوت اشاره کرده است. در جوامع مکانیکی (جوامع سنتی)، تقسیم کار ساده است و تفاوت‌های فکری، سلیقه‌ای، اجتماعی، فردی و... بین افراد وجود ندارد. اما در جوامع ارگانیک است که فرد هویت شخصی و منحصر به فردی می‌یابد و انتخاب و عاملیت معنا پیدا می‌کند. در اینجا است که همبستگی اجتماعی بر اساس تفاوت‌پذیری افراد شکل می‌گیرد و تمایز و گروه‌بندی‌های اجتماعی و فردی شکل یافته و سبک‌های متفاوت زندگی بر می‌آوردند (سرایبی و پورجیلی، ۱۳۸۶: ۹۶؛ کوزر، ۱۳۸۷: ۱۹۱-۱۸۸؛ رفعت‌جاه، ۱۳۸۶: ۱۳۶؛ منادی، ۱۳۸۸: ۶۷؛ ربانی و شیرینی، ۱۳۸۸: ۲۰۹). با گسترش فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی نظیر ماهواره و اینترنت و گسترش شبکه‌های ارتباطی، فرهنگ مدرن در جهان گسترش پیدا کرد. با اینکه شبکه‌های ارتباطی و ماهواره‌ها فرایند یکسان‌سازی فرهنگ جهانی را دنبال می‌کردند (خواججه‌نوری، ۱۳۸۶: ۷-۶)، در عین حال موجب خلق تمایزهای گوناگونی میان مردم شدند. از گذشته تاکنون افراد با ایجاد تمایز، سعی در متفاوت نشان دادن خود از دیگری داشتند. این امر با مصرف (کالاهای مادی و معنوی) نمود عینی تری به خود گرفته و ادبیات جدیدی تحت عنوان سبک زندگی وارد عرصه جامعه‌شناسی شده است (اباذری، چاوشیان، ۱۳۸۱: ۷-۶).

انتخاب نوع خاصی از سبک زندگی منجر به شکل دادن به حوزه‌های فردی و عمومی هر شخص می‌شود. در واقع سبک زندگی عرصه‌های مختلفی از زندگی فرد را دربرمی‌گیرد (خواججه‌نوری، ۱۳۸۸). سبک‌های متفاوت زندگی، رفتارهای افراد را تغییر داده و افراد پیوسته بر اثر آن بر خود و محیط پیرامونی خود نظارت می‌کنند و حتی سعی دارند آن را تغییر دهند. یکی از این رفتارها می‌تواند نظارت بر خود و بدن خود باشد.

تصور از بدن، پدیده پیچیده‌ای است که در دهه‌های اخیر توجه اندیشمندان را از حوزه‌های گوناگون به خود جلب کرده است (گارنر و همکاران<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹: ۱). این مفهوم بسیار مورد توجه قرار گرفته اما تعریف واحدی برای آن ارائه نشده است. برای مثال، نزلک<sup>۲</sup>، (۱۹۹۹) نگرش نسبت به بدن را شامل یک خودنگری مرتبط با بدن می‌داند و به عزت نفس، اعتماد میان فردی، رفتارهای ورزشی و غیره نسبت می‌دهد. براون و همکاران<sup>۳</sup> (۱۹۹۰) معتقدند تصور از بدن به



1. Garner et al
2. Nezelek
3. Brown et al



درجه رضایت و نارضایتی مردم از ظاهر و بدن برمی‌گردد (۱۹۹۰). کیش<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) تصور از بدن را به احساسات شخصی در رابطه با بدن و ظاهر فیزیکی مربوط می‌داند (۲۰۰۲). بحث در رابطه با تصور از بدن بیشتر به سمت بررسی نارضایتی از بدن پیش رفته است. این نارضایتی در بین جوانان و نوجوانان بسیار بیشتر است (هوانگ و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷: ۵).

مباحث بالا بیانگر آن است که مسئله بدن و تصور از آن بیشتر موضوعی فرهنگی است که به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه برمی‌گردد. دگرگونی در این مؤلفه‌های فرهنگی موجب می‌شود تا رفتارهای اعضای جامعه نیز به دنبال آن دچار دگرگونی شوند. بر اثر تماس‌های مستقیم و یا با واسطه فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر، عناصر فرهنگی هر جامعه در جامعه دیگر وارد می‌شوند. با تشدید فرایند جهانی شدن، شاهد پدیده جهانی شدن فرهنگی هستیم. این فرایند از رسانه‌های خود جدا نیست. ظهور رسانه‌هایی همچون رایانه‌ها و امکانات آن همچون اینترنت، چت، و همچنین تلفن همراه، کانال‌های ماهواره‌ای و مانند آنها موجب شده تا ارزش‌ها، هنجارها و سایر تولیدات فرهنگی مادی و معنوی عصر جهانی شدن با شدت بسیار زیادتری در بین جوامع نفوذ کرده و گسترش یابند. یکی از این جوامع، جامعه و فرهنگ ایرانی است که با سرعت فراوانی تحت نفوذ این رسانه‌ها قرار گرفته است (خواجه‌نوری، ۱۳۸۵).

عناصر فرهنگی جوامع مختلف با سرعت فراوان در ایران در حال گسترش هستند. در این میان جوانان بیش از سایر گروه‌های سنی متأثر از این روند هستند زیرا از میزان پذیرندگی بیشتری برخوردارند. آنها برای تولید و بازتولید هویت خود به طور مداوم از منابع و امکانات موجود در اختیار استفاده می‌کنند. نتیجه این امر می‌تواند آن باشد که از منابعی استفاده و از الگوهای رفتاری تقلید کنند که با نظام ارزشی مسلط بر جامعه همخوانی نداشته باشد (خواجه‌نوری و مقدس، ۱۳۸۸). یکی از این مباحث که با نظام ارزشی ما چندان هماهنگی نداشته، توجه بیش از حد به بدن است. در فرهنگ ایرانی - اسلامی ما سلامت بدن تحت عناوینی همچون «حفظ الصحه» مطرح بوده اما به‌عنوان زیبایی و به‌عنوان رسانه‌ای که بیان‌کننده هویت فرد باشد، چندان محلی به آن گذاشته نشده است. همچنین در فرهنگ عرفانی ما در دیدگاه افرادی همچون مولانا و سایر عرفا، بدن به مرکبی تشبیه شده است.

توجه به بدن به‌عنوان یک رسانه و توجه به زیبایی و موزون بودن آن امر جدیدی است که متأثر از پذیرش ارزش‌های فرهنگی جوامع دیگر و به‌ویژه جوامع غربی توسط بخش‌هایی

1. Cash
2. Huang et al

از جامعه به خصوص جوانان و در این میان زنان و دختران جوان است. ارزش‌هایی همچون لاغری، موزون بودن و مانند آنها در جامعه جوان ما در حال گسترش است. این گسترش با خود پیامدهای مثبت و منفی فراوانی دارد. عمده نگرانی‌های موجود، در مورد آثار منفی آن است. ایجاد نگرانی از بابت چاقی و یا نداشتن اندامی موزون، بدشکل، نازیبی و مانند آنها که محتوای تعاریف آنها نیز دستخوش دگرگونی شده، موجب نگرانی جوانان از بابت عدم پذیرش اجتماعی - دست‌کم در میان گروه‌های همسالان و مانند آنها - می‌شود.

این نارضایتی‌ها و نگرانی‌های نشئت‌گرفته از تصور از بدن، مشکلات زیادی را برای زنان و دختران جوان همچون جراحی‌های زیبایی، تاتو، لایپوساکشن و غیره ایجاد کرده و منجر به افزایش رژیم‌های غذایی سخت‌گیرانه و بدون نظارت پزشک، بی‌نظمی تغذیه، لاغری بیش از حد و مانند آن در میان آنان می‌شود (خواججه‌نوری، ۱۳۸۸؛ جونگ و لی، ۲۰۰۹). البته این حساسیت در میان زنان و دختران جوان بیش از مردان است. (خواججه‌نوری، ۱۳۸۸، تیگمن و روتل<sup>۲</sup>: ۲۰۰۱؛ بهرام و شفیع‌زاده<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶؛ هوانگ و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷: ۷). این امر موجب شده تا بیشتر تحقیقات ۳۰ سال اخیر در تصور از بدن بر روی زنان و دختران انجام شود (تیگمن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱). داشتن تصویری مثبت از بدن در میان دختران جوان، تبدیل به مهم‌ترین نگرانی‌ها و دل‌مشغولی‌ها شده است (ذکایی و فرزانه، ۱۳۸۷: ۴۶). با توجه به این وضعیت، آنچه به این تحقیق ضرورت می‌بخشد، شناخت عوامل مرتبط با نگرش از بدن است.

از آنجاکه سبک زندگی، شیوه‌های عملکردی است که هر فرد برمی‌گزیند تا روایتی خاص از زندگی و هویتش را برای دیگران بیان کند، سؤالی که در اینجا می‌تواند مطرح شود این است که آیا سبک‌های زندگی بر تصورات زنان و دختران جوان از بدنشان تأثیر می‌گذارد؟ اگر پاسخ به آن مثبت بود، سؤال دوم این است که کدام‌یک از سبک‌های زندگی تأثیرات مثبتی بر تصور زنان از بدنشان دارند و موجب می‌شوند تا آنها بیشتر به مسائل بدنی حساسیت پیدا کنند؟

برای این منظور، شهر شیراز انتخاب شد. این انتخاب از آن جهت بود که نخست، شیراز شهر در دسترس محققان بود؛ دوم، چنانکه گیدنز نیز مطرح می‌کند، سبک زندگی پدیده‌ای است که در جوامع مدرن و تحت تأثیر جهانی‌شدن می‌تواند مطرح شود (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۲۹-۱۱۹). مطالعه



1. Jung & lee
2. Tiggeman & ruutel
3. Bahram & Shafizadeh
4. Huang et al
5. Tiggeman

پیشین نیز نشان داده شیراز در برخی از ابعاد جهانی شدن با اندک اختلافی دارای میانگین‌های رفتاری مانند تهران بوده و به شدت تحت تأثیر فرایند جهانی شدن قرار دارد (خواجه‌نوری، ۱۳۸۵). از جانب دیگر با توجه به جمعیت جوان جامعه آماری و با نگاه به این موضوع که شهر شیراز، کلان‌شهری با بیش از یک میلیون جمعیت است، بررسی سبک‌های متفاوت زندگی رایج در میان دختران و زنان جوان و رابطه‌ای که سبک‌های متفاوت زندگی با تصور از بدن دارند، موضوعی بسیار پُراهمیت است. با شناخت رابطه بین این دو عامل می‌توان راه‌های مقابله با اختلالات تصور از بدن را که منجر به مشکلات فراوان برای جوانان می‌شود، ارائه کرد. در واقع می‌توان سبک‌هایی از زندگی را که موجب اختلالات بیشتر در تصور از بدن می‌شوند، شناسایی کرد.

### مروری بر آثار دیگران

مطالعه بر بدن، از موضوعات جدید در جامعه‌شناسی معاصر است و به صورت خاص تحقیقات صورت گرفته بر روی تصور از بدن روند رو به رشدی را طی می‌کند. برخلاف تحقیقات خارجی، تحقیقات داخلی اغلب در حوزه پزشکی و پرستاری انجام شده و در حوزه‌های دیگر به‌ویژه علوم اجتماعی، مطالعه چندانی صورت نگرفته است.

ذکایی و فرزانه سعی در دستیابی به تجربیات زنان تهرانی نسبت به بدن‌هایشان پیش و پس از عمل جراحی زیبایی داشته‌اند. نتیجه تحقیق آنها چنین بود که بعد از جراحی‌های زیبایی، احساس رضایت زنان از خود و اعتماد به نفسشان بالاتر رفته است. از جانب دیگر گزینش جراحی زیبایی در چرخه‌ای میان انتخاب فردی و ساختارهای اجتماعی قرار گرفته است (ذکایی، ۱۳۸۷). نتیجه مطالعه دیگری از ذکایی نشان می‌دهد نوگرایی غربی تأثیر خود را بر حساسیت جوانان در کنترل و نظارت بر بدن‌هایشان و تلاش درصدا ارائه تصویر مثبت بر آن بر جای گذاشته است. البته گفتمان رقیب در برابر گفتمان نوگرایی غربی که گفتمان مردانه سنتی است، همچنان قوی است و هر چند تغییراتی را پذیرفته اما بر باز تولید سنتی هنجارها تأکید می‌کند (ذکایی، ۱۳۸۷).

نتیجه تحقیق خواجه‌نوری و مقدس نشان داده که عواملی همچون نوگرایی، آگاهی نسبت به جهانی شدن، شیوه زندگی، گفتگو در خانواده، سرمایه فرهنگی و وضعیت تأهل نزدیک به ۶۰ درصد از تغییرات تصور از بدن را در زنان شهرهای تهران، شیراز و استهبان، تبیین می‌کند (خواجه‌نوری و مقدس، ۱۳۸۸). قلعه‌بندی و ابراهیمی در مطالعه خود دریافتند افرادی که متقاضی عمل جراحی زیبایی بوده‌اند، بیش از دیگران دارای شخصیتی و سواسی - خودشیفته



بوده‌اند. محققان همچنین درخواست جراحی زیبایی را به تعامل عامل‌های روان‌شناختی فردی و تأثیرهای فرهنگی مرتبط دانسته‌اند (قلعه‌بندی و ابراهیمی، ۱۳۸۳).

یونسی و سلاجقه در تحقیق خود نشان دادند تفاوت معناداری در نوع تصویر از بدن آزمودنی‌ها و گروه شاهد وجود دارد؛ بدین گونه که با توجه به ابعاد مقیاس سنجش تصویر بدنی زنان ناباور، درجاتی از اختلال تصویر ذهنی از خود و بدن‌هایشان نشان داده‌اند که همراه با اضطراب و افسردگی هم‌زمان در بین آنهاست (یونسی و سلاجقه، ۱۳۸۰). قاسمی و همکارانش در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که تصویر بدنی معلولین ورزشکار در خرده‌مقیاس‌های قدرت، استقامت، هماهنگی، انعطاف‌پذیری، عزت نفس، فعالیت بدنی، لیاقت ورزشی و کل بدن به طور معناداری از معلولین و غیر معلولین غیر ورزشکار بهتر بود. همچنین در خرده‌مقیاس‌های ظاهر بدن، سلامت عمومی و چربی بدن، معلولین ورزشکار به طور معناداری بهتر از معلولین غیر ورزشکار بودند، اما با غیر معلولین غیر ورزشکار تفاوت معناداری نداشتند (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۸).

محمادی و سجادی‌نژاد نشان دادند دو عامل نارضایتی از بدن و تداخل درباره عملکرد اجتماعی نزدیک به ۴۰ درصد از واریانس عزت نفس دختران شیرازی را تبیین می‌کند (محمادی و سجادی‌نژاد، ۱۳۸۶). مطالعه آزاد/ارمکی و چاوشیان نشان داد متغیرهای جنس، سن، تحصیلات، سرمایه فرهنگی، دیانت، نگرش سنتی به خانواده، با مدیریت از بدن رابطه داشته‌اند اما متغیرهای ساختاری مانند پایگاه اجتماعی و اقتصادی، سرمایه اقتصادی و شغل، رابطه معناداری نشان داده‌اند (آزاد ارمکی و چاوشیان، ۱۳۸۱). نتایج تحقیق بهرام و همکاران نشان می‌دهد تعامل معنی‌داری در مورد جنس و گروه، در مقیاس‌های تصور از بدن وجود دارد و بین تصور بدنی با درصد چربی بدن و شاخص توده بدن، چاق‌پیکری و عضلانی‌پیکری و نیز در لاغری‌پیکری وجود دارد. به طور کلی مردان تصویر بدنی مثبت‌تری نسبت به زنان دارند (بهرام و همکاران، ۲۰۰۶). در مطالعه‌ای دیگر، ستوده و همکاران دریافتند درک زنان از شوهرانشان نسبت به وزنشان و همچنین محل سکونت، بر روی تصور زنان از بدنشان اثر می‌گذارد (ستوده و همکاران، ۲۰۰۸).

سوامی و همکاران نشان دادند آموزش و تحصیلات رابطه معناداری با تصور از بدن داشته اما در عین حال با استفاده از رسانه‌ها (رسانه‌های همگانی و ICTها) رابطه معنادار معکوسی داشته است (سوامی و همکاران: ۲۰۰۸). بوتنا نیز در مطالعه خود به این نتیجه رسیده که مطالعه مجله‌ها و مقایسه‌های اجتماعی از عوامل مؤثر در تصور از بدن و اختلال‌های غذایی است





(بوتا، ۲۰۰۳). هس بیبر و همکاران معتقدند معنای زیبایی از نوع تلقی فرهنگ سفیدپوستان در جامعه فیجی گسترده شده و سبب بی‌نظمی در غذا خوردن در دختران شده است (هس بیبر و همکاران، ۲۰۰۴). کاتزمن و لی مدعی‌اند جهانی شدن، فشارهای زیادی بر هم‌نوایی زنان با ایده‌ها و تصویرهای جدید زنانگی وارد می‌کند. همچنین آنها بر این باورند که جهانی شدن و تحرک فزاینده در بی‌نظمی غذایی مردم در کشورهای غربی و غیر غربی و حتی در بین قبیله و گروه‌های قومی مشارکت دارند (کاتزمن و لی، ۱۹۷۷).

یافته‌های هوارث نشان دادند محیط بحرانی در خانواده، کنترل قهرآمیز والدین و گفتمان مسلط بر وزن در خانواده شرایط مهمی هستند و پیکره‌بندی خاص آنها با توجه به تأثیرات فرهنگ و خانواده در تولید اختلالات تغذیه نقش دارند (هوارث، ۲۰۰۰). بررسی لوینسون و همکاران نشان می‌دهد جنسیت و نژاد در تصویر بدن در میان نوجوانان نقش معناداری دارد اما ارزیابی والدین نقش مهم‌تری در تصویر بدن در بین فرزندان و به‌ویژه در میان فرزندان دختر دارد. به صورت کلی موقعیت اجتماعی و دیگران مهم در زندگی نوجوانان در دیدگاه نوجوانان نسبت به خودشان اثر مهمی دارد (لوینسون و همکاران، ۱۹۸۶).

گلیزر معتقد است زنان نیاز روان‌شناختی قوی‌ای برای حفظ و پیگیری زیبایی و ارتقای جذابیت خود دارند. زنان نسبت به مردان به تصویر بدنی خود حساس‌ترند که البته این وضعیت در شرایط و فرهنگ‌ها و نژادهای گوناگون یکسان است و هر فرهنگی ایده‌های خاص خود را در رابطه با زیبایی دارند که البته این ایدئال‌ها در طول زمان تغییر می‌کنند. وی به صورت اختصاصی روی فرهنگ امریکایی در طول ۵۰ سال گذشته انجام داده که نتایج آن حاکی از آن است که ایده زیبا شدن، لاغرتر بودن را به زنان دیکته کرده است (گلیزر، ۱۹۹۲).

آرچیبالد و همکاران و آتی و بروکزگان نیز در مطالعاتشان بر نقش و تأثیر خانواده و به‌ویژه مادران بر تصور از بدن دختران تأکید کرده‌اند (آرچیبالد و همکاران، ۱۹۹۲؛ آتی و بروکزگان، ۱۹۸۹). از دیگر سو، گارنر و همکاران نیز بر این باورند رسانه‌ها نقش تأثیرگذاری بر تصور بدنی زنان دارند و تصور بدنی لاغر را ترویج می‌کنند (گارنر و همکاران، ۱۹۸۰). نمروف و همکاران و پتری و همکاران بر نقش رسانه‌ها تأکید کرده‌اند (نمروف و همکاران، ۱۹۹۴؛ پتری و همکاران، ۱۹۹۶). ویزمن و همکاران نیز بر نقش برخی مجله‌های امریکایی در تغییر تصور از بدن در میان جوانان امریکایی، تأکید کرده‌اند (ویزمن و همکاران، ۱۹۹۲).

هر پژوهشی که انجام می‌گیرد راه تازه‌ای برای پژوهشگران بعدی می‌گشاید و به آنها

در مطالعه بهتر پدیده‌ها کمک می‌کند. مطالعات مذکور ما را در طراحی فرضیه‌ها، متغیرها و روش به‌کار گرفته‌شده یاری نموده‌اند. در این راستا تحقیقات داخلی بیانگر این واقعیت هستند که نگرش‌ها و ارزش‌های جوانان به وسیله تأثیرپذیری از فرهنگ غربی تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. همچنین این تحقیقات محققان را در شناسایی ابتدایی متغیرهای دخیل در این امر یاری نمودند؛ اما تحقیقات حاضر به نقش سبک‌ها و شیوه‌های زندگی هرروزه افراد بر تصور از بدن مخصوصاً در میان زنان توجهی نکرده بودند که این امر محققان را به بررسی این امر تشویق نمود. البته گفتنی است که با مرور مطالعات داخلی محققان به این نتیجه رسیده‌اند که از روش کمی استفاده کنند، زیرا با مطالعه تحقیقات خارجی که اکثر آنها کیفی است و بررسی متغیرهای مورد بررسی، نگارندگان به این نتیجه رسیدند که با توجه به حساسیت‌های موجود بر بدن و به‌ویژه بر بدن زنان در کشور اسلامی ایران، مطالعه کیفی و جلب اعتماد برای مصاحبه‌های تحقیق اعتبار لازم را نخواهند داشت؛ از این رو مطالعه کمی با توجه به تحقیقات پیشین انتخاب شد. گفتنی است در طراحی تحقیق هم در قسمت چارچوب نظری و هم در طراحی پرسشنامه و فرضیات تحقیق از مطالعات پیشین استفاده شده است.



### چارچوب نظری

پیش از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ اغلب جامعه‌شناسان، چه در جامعه‌شناسی پزشکی و چه در کتاب‌های عمومی جامعه‌شناسی، بدن را مورد توجه قرار نمی‌دادند، بلکه اغلب بر جوانب خارجی بدن توجه داشتند. در واقع در فضای اجتماعی، کنشگران را با هویت‌های فارغ از بدن مورد مطالعه قرار می‌دادند و در آن، بدن موضوعی برای شناخت به حساب نمی‌آمد (مختاری، ۱۳۸۸: ۲۵). امروزه در نظریه‌پردازی‌های جامعه‌شناختی توجه ویژه‌ای به بدن مبذول می‌شود. مفاهیم نظریه‌پردازی شده پیرامون بدن و نگرش به آن در چهار حوزه انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی، نظریات فرهنگی و رهیافت فمینیستی قرار داده می‌شوند. از آنجاکه رویکرد نظری تحقیق عمدتاً مبتنی بر دیدگاه گیدنز در ارتباط با تصور بدن و سبک زندگی است، ابتدا به طور مختصر نظری وی را در مورد هریک از این دو مفهوم ارائه کرده و سپس چارچوب نظری تحقیق را توضیح داده می‌شود.

### گیدنز؛ بدن به‌عنوان ابزار کنترل روابط اجتماعی

گیدنز بدن را در ارتباط با دو مفهوم «هویت» و «خود» قرار می‌دهد. به باور وی نیاز امنیت و جودوی و



حس امنیت هستی‌شناختی، چیزی است که در نهایت به شکل‌گیری یک هویت شخصی در ارتباط با محیط پیرامون منجر می‌شود و در این راستا، بدن به‌عنوان ابزار استفاده می‌شود. به نظر وی همه موجودات انسانی به طور مداوم بر فعالیت‌های خویش نظارت دارند. در روابط اجتماعی، انسان‌ها یک حس امنیت وجودی به دست می‌آورند که وی ریشه آن را در مفهوم اعتماد تعمیم یافته می‌یابد. این اعتماد تشکیل‌دهنده رابطه‌ای است که جهت‌گیری‌های عاطفی و شناختی به سوی دیگران، دنیای عینی و هویت شخصی از آن نشئت می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۶۳).

به باور گیدنز، «خود» در درون بدن جای دارد و آگاهی نسبت به خویش بیشتر ناشی از تغییراتی است که در بدن احساس می‌شود. بدن در نگاه وی تنها یک جسم مادی صرف نیست، بلکه وسیله‌ای عملی برای کنار آمدن با اوضاع و احوال و رویدادهای بیرونی است. برای آنکه بتوانیم به طور برابر با دیگران در تولید روابط اجتماعی شریک شویم، باید بتوانیم نظارت مداومی بر بدن خویش اعمال کنیم (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۷-۸۶) که در نتیجه آن، بدن به ابزاری هویت‌ساز در جریان تعاملات اجتماعی تبدیل می‌شود (نتلتون، ۱۹۹۸: ۷). تصور بدن، حاصل به کارگیری هرچه بیشتر آن در کنش‌های اجتماعی است؛ بنابراین کسب موفقیت‌های اجتماعی، تصور بدنی را تحت‌الشعاع قرار داده و در نتیجه سبب می‌شود تا افراد بدانند چگونه با بدن خود برخورد کنند.

به اعتقاد گیدنز برخی از وجوه بدن، در عرصه کنش متقابل با دیگران، موجب تمایز فرد از دیگران می‌شود. وی این وجوه را نمای ظاهری، کردار و... می‌نامد. «نمای ظاهری بدن مشتمل بر همه ویژگی‌های ظاهری قابل رؤیت از جمله طرز پوشش و آرایش است که به طور معمول به‌عنوان نشانه‌هایی برای تفسیر کنش‌ها به کار گرفته می‌شوند. کردار مشخص‌کننده آن است که افراد از نمای ظاهری خود چگونه در فعالیت‌های روزمره استفاده می‌کنند» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۴۴). امروزه جنبه ظاهری بدن برای ابراز هویت فردی، بیش از وجهه اجتماعی آن تقویت شده است (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۴۵).

### هویت شخصی و سبک‌های زندگی

گیدنز معتقد است که «سبک زندگی را می‌توان به مجموعه‌ای کم‌وبیش جامع از عملکردها تعبیر کرد که فرد آنها را به کار می‌گیرد چون نه فقط نیازهای جاری او را برمی‌آورند بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران متجسم



می‌سازند» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۱۹). سبک زندگی روش الگومند مصرف، درک و ارزش‌گذاری محصولات فرهنگ مادی است که استقرار معیارهای هویتی را در چارچوب زمان و مکان ممکن می‌سازد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۵-۳۱).

امروزه، هرچه نفوذ سنت کمتر می‌شود و زندگی روزمره بیشتر برحسب تأثیرات متقابل عوامل محلی و جهانی بازسازی می‌شود، افراد بیشتر ناچار می‌شوند تا سبک زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف انتخاب کنند. سبک‌های زندگی به صورت عملکردهای روزمره درمی‌آیند که در نوع پوشش، خوراک، طرز کار و محیط‌های مطلوب برای ملاقات با دیگران تجسم می‌یابند. ولی این امور در پرتوی ماهیت متحرک هویت شخصی، به طریقی بازتابی در برابر تغییرات احتمالی باز و پذیرا هستند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۲۰). در نزد گیدنز، تحول سبک‌های زندگی و دگرگونی‌های ساختاری مدرنیته به واسطه بازتابندگی به یکدیگر گره می‌خورند و به دلیل گشودگی زندگی اجتماعی امروزی و کثرت زمینه‌های کنش و منابع، انتخاب سبک زندگی برای ساختن هویت شخصی به طور فزاینده‌ای اهمیت می‌یابد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۸۸).

یکی از مباحث مهم در نظریه‌های افرادی همچون گیدنز تأثیر فرایندهای مدرنیته و مدرنیته متأخر در جوامع امروزی است. این فرایندها در سطوح مختلف زندگی اجتماعی افراد، تأثیرات قاطعی می‌گذرانند. به نظر گیدنز از موارد مهم این تأثیرات تغییر در هویت اجتماعی و شخصی مردم در دوران مابعد سنت است. وی از مفاهیمی همچون بازاندیشی، تغییر در ذائقه و سبک‌های زندگی در این خصوص استفاده می‌کند. مردم برای هویت‌یابی و بازتولید هویت خود در دوران مابعد سنت این امکان را دارند که از منابع مختلف استفاده کنند. امکانی که در دوران سنت برای بیشتر مردم وجود نداشته است.

یکی از ابعاد هویتی هر فرد، بدن وی و توجه به بُعد جسمانی است. در گذشته توجه به بدن یا وجود نداشته و یا اینکه امری مستقل در نظر گرفته نمی‌شد. برای مثال در ادبیات غنی ایران بدن انسانی به‌عنوان مرکبی تلقی شده که حداکثر لازم است آن را سالم نگه داریم تا روح بتواند به تعالی خود برسد. در این مورد برای مثال مولوی در کتاب *مثنوی* می‌گوید «روح دارد سوی بالا بال‌ها تن زده اندر زمین چنگال‌ها» و یا خواجه می‌نالد که «مانند از قافله خنده‌ها دارد از این ماندن خرش». در فرایند مدرنیته و جهانی‌شدن توجه به بدن به‌عنوان امری مستقل در میان متخصصان و مردم عادی گسترش پیدا کرد.

این توجه هم از بُعد پزشکی هم از بُعد زیبایی‌شناسانه حائز اهمیت شد. توجه به سلامتی و



عوامل مؤثر بر سلامتی افراد به نحو روزافزونی در محافل دانشگاهی و غیردانشگاهی به عنوان گفتمان غالب درآمد. در این میان توجه به سبک‌های زندگی و رابطه آنها با سلامت جسمانی به اندازه‌ای پیش رفت که در دانشگاه‌های پزشکی رشته‌ای به‌عنوان طب سبک زندگی بنیان نهاده شد (برهانی و همکاران، ۱۳۸۶). در این زمینه توجه به سبک‌هایی که موجب بیماری می‌شوند چه از لحاظ کم‌خوری و یا بیش‌خوری افراد و یا تغذیه ناسالم از اهمیت برخوردار است.

از بُعد سلامتی بدن که بگذریم، اگرچه با آن بی‌ارتباط هم نیست، مسئله زیبایی‌شناسانه بدن است. توجه به اندام به‌عنوان یک رسانه (آزاد ارمکی و چاوشیان، ۱۳۸۱) در جوامع مدرن و به طور کلی جوامعی که تحت تأثیر فرایند جهانی شدن قرار گرفته‌اند، گسترش فراوانی یافته است. ارتباطات روزافزون جوامع با یکدیگر و برخورد و تعامل بین فرهنگ‌های مختلف موجب شده تا برخی از ایده‌های فرهنگی در سطح جهانی گسترش یابند. یکی از این ایده‌ها، اندام مناسب و زیباست که به طور روزافزونی به شکل اندام لاغر بازتعریف می‌شود. ایده لاغری ابتدا در جوامع مدرن امروزی شکل گرفته است. نمود این ایده را می‌توان در فیلم‌ها به‌ویژه هالیوودی آن، عروسک‌ها (باربی) و نظایر آنها مشاهده کرد. سایر فرهنگ‌ها با ارتباطات مختلفی اعم از رسانه‌های جمعی نوین، مسافرت‌ها، تجارت و... این ایده‌ها را اخذ کرده و در خود گسترش داده‌اند.

به باور گیدنز، سبک‌های زندگی امکانات مختلفی هستند که افراد برای تولید و بازتولید هویت خود از آنها استفاده می‌کنند. چنانکه چانی نیز می‌گوید، سبک زندگی شکل اجتماعی جدیدی است که نشانگر اولیۀ هویت هر فرد است. وی بر این باور است که سبک‌های زندگی حساسیت‌هایی هستند که در اهمیت‌های اخلاقی، معنوی و یا زیبایی‌شناختی نفوذ می‌کنند (چانی، ۱۹۹۶: ۱۱). وی معتقد است برای افراد و گروه‌هایی که توسط راه‌های سنتی‌تر زندگی در شرایط جدید دچار فقدان دوام و ثبات می‌شوند، ساختن سبک‌های زندگی می‌تواند به‌عنوان ابزار مهمی برای مقابله با تغییرات اجتماعی کاربرد داشته باشد. این سبک‌ها واکنشی رفتاری یا پاسخ‌های کارکردی به مدرنیته هستند (چانی، ۱۹۹۶: ۱۱). لذا سبک‌های زندگی منابعی هستند برای ثبات یا مکانیزم‌هایی برای مقابله که به مردم کمک می‌کنند روابطشان را در شرایط تغییر اجتماعی مدیریت کنند. مچین و لوون معتقدند سبک‌های زندگی دارای دو سطح فردی و اجتماعی هستند (مچین و لوون، ۲۰۰۵). از یک سو سبک زندگی، سبکی گروهی و اجتماعی است که نه تنها توسط موقعیت‌های اجتماعی ثابتی همچون طبقه، جنس، سن و یا فعالیت‌هایی همچون مشاغل مشخص می‌شوند بلکه به وسیله رفتارهای مصرفی مشترک (همچون ذائقه‌های



مشترک)، الگوهای مشترک فعالیت اوقات فراغت (برای مثال علائق به ورزش)، نگرش‌های مشترک به موضوعات کلیدی (همچون نگرش‌های مشابه به مسائل جنسی، محیطی، و...) نیز مشخص می‌شوند (چانی، ۱۹۹۶: ۱۱).

چانی معتقد است «مردم سبک‌های زندگی را در زندگی روزمره برای مشخص کردن و تبیین پیچیدگی‌های وسیع‌تر هویت و پیوستگی<sup>۱</sup> به کار می‌برند» (چانی، ۱۹۹۶: ۱۲). همچنین سبک زندگی اجتماعی است زیرا به واسطه نمودها<sup>۲</sup> فهمیده می‌شود؛ چنانکه به وسیله مجموعه‌ای از نگرش‌ها می‌توان آن را درک کرد و توسط سبک‌های لباس پوشیدن، آراستگی و مانند آن رسانده می‌شود. «عقاید و تعهدات به ارزش‌های خانواده که به طور قوی حفظ می‌شوند، احتمالاً توسط سبک‌های ویژه‌ای از انتخاب‌های زیبایی‌شناسانه نمادگرایی می‌شوند» (چانی، ۱۹۹۶: ۹۶). از سوی دیگر سبک‌های زندگی فردی نیز هستند. سبک‌های زندگی گوناگون است و موجب کاهش همگونی می‌شود و انتخاب افراد را افزایش می‌دهد و متصل به نیاز به لباس طبق سن، جنس، طبقه و... سبک‌های متمایزی را برای زنان و مردان به وجود می‌آورد (مچین و لوون، ۲۰۰۵).

توجه به بدن به دلایل فرهنگی و اجتماعی در بین زنان بیش از مردان بوده است. شواهد وسیعی نشان‌دهنده تغییر فرهنگی در جامعه ایران و ترجیح بدن لاغر در بین زنان است. در بین متخصصان در خصوص اینکه چرا این پدیده رخ داده و یا چه تبعاتی برای زنان و به طور کلی جامعه داشته است توافق کاملی وجود ندارد. قدر مسلم این است که سبک‌های جدید زندگی که در جامعه ایران تحت تأثیر جهانی‌شدن گسترش یافته، در تغییر رفتارهای عادی زنان اثر قاطعی داشته‌اند. بر این اساس فرضیات زیر مطرح می‌شوند:

۱. بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، وضعیت تأهل، مکان جامعه‌پذیری، تحصیلات والدین و پاسخگو، منزلت شغلی والدین و پاسخگو، داشتن فرزند، موقعیت طبقاتی) و تصور زنان از بدنشان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۲. بین سبک‌های مذهبی و تصور زنان از بدنشان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۳. بین سبک‌های فراغتی و تصور زنان از بدنشان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۴. بین سبک‌های مشارکتی و تصور زنان از بدنشان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۵. بین سبک‌های سنتی موسیقی و تصور زنان از بدنشان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۶. بین سبک‌های مدرن موسیقی و تصور زنان از بدنشان رابطه معنی‌داری وجود دارد.



1. Affiliation  
2. Appearance

## روش پژوهش

در این پژوهش از روش پیمایشی بهره گرفته شد و پرسشنامه ابزار جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز بود. پرسشنامه پژوهش حاوی سؤال‌های نگرشی و همچنین سؤال‌هایی در مورد رفتارهای عینی، ذهنی، و ویژگی‌های فردی پاسخگویان بود. جامعه آماری، زنان ۱۵ تا ۶۴ ساله ساکن شهر شیراز در سال ۱۳۸۸ بود. چارچوب نمونه‌گیری تحقیق محدوده مصوب شهرهای مورد مطالعه بود. شیوه نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای بود. بدین معنی که از بین مناطق سرشماری شهر شیراز تمامی مناطق انتخاب و سپس در درون هر منطقه به نسبت وجود خانواده‌ها، بلوک‌های کوچک‌تر به‌عنوان یک خوشه به طور تصادفی انتخاب شدند. خانوارهای درون خوشه‌ها مورد بررسی و در صورت وجود یک زن با ویژگی سنی بالا در خانواده، با او مصاحبه شد. حجم نمونه با استفاده از فرمول لین<sup>۱</sup> محاسبه شد (لین، ۱۹۷۸: ۴۷-۴۶). اگرچه نمونه‌گزینی با ضریب پایایی  $\pm 5$ ، ضریب اطمینان ۹۵ درصد و واریانس جمعیت ۵۰-۵۰ درصد (فرض بالاترین حد واریانس در جمعیت) برابر با ۳۸۶ نفر بود، اما به دلیل نوع سؤال‌ها، از آنجا که این امکان وجود داشت که در زمان جمع‌آوری اطلاعات برخی از پرسشنامه‌ها یا برگشت داده نمی‌شدند و یا مخدوش بودند، تعداد پرسشنامه‌ها را به ۵۲۰ عدد افزایش دادیم که از این میان، در ۵۰۸ پرسشنامه تقریباً به تمامی سؤالات پاسخ داده شده بود. لازم به ذکر است که با ضریب پایایی  $\pm 4$ ، ضریب اطمینان ۹۵ درصد و واریانس جمعیت ۵۰-۵۰ درصد، نمونه ما برابر با ۶۰۰ نفر می‌شد. لذا نمونه مورد بررسی این پژوهش بین ضرایب پایایی  $\pm 4$  و  $\pm 5$  بود.

## تعریف مفاهیم

تصور بدن: در مطالعه حاضر تصور بدن زنان متغیر وابسته است. تصور بدن یک تصور ذهنی از بدن توسط فرد است و به دریافت و احساس وی از بدن خودش اشاره دارد (گروگن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹: ۱، هارگریوز و تیگمن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶).

افراد در زندگی روزمره خویش سعی دارند در تعامل با دیگران به نوعی تصویر خود را با تصویر عمومی تلفیق کنند. این تصور در تعامل با دیگران شکل می‌گیرد. برای این منظور تصور

1. Lin
2. Grogan
3. Hargreaves & Tiggemann



بدن بر اساس تعدادی گویه که در قالب طیف لیکرت تنظیم شده‌اند توسط گویه‌های متعدد سنجیده شده است. برای آزمون روایی طیف‌های مختلفی که در تحقیق به محک آزمون تجربی زده شدند، از ضریب همبستگی آلفای کرونباخ استفاده شده است. بر این اساس ضریب آلفای عناصر تشکیل دهنده طیف تصور بدن برای سه شهر مذکور با ۲۲ گویه برابر ۰/۷۶ بود.

سبک زندگی: به باور گیدنز شیوه زندگی مجموعه‌ای کم‌وبیش جامع از عملکردهاست که فرد آنها را به کار می‌گیرد چون نه تنها نیازهای جاری او را برآورده می‌سازند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران متجسم می‌سازد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۲۰). به باور وی یکی از پیامدهای وضعیت تجدد برای فرد در زندگی روزمره این است که شیوه زندگی برای فرد در شرایط مابعد سنت اهمیت می‌یابد و برای فرد عامل امر اجتناب‌ناپذیر می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۲۰). با مروری بر نظریه‌های سبک زندگی، فاضلی معتقد است در سنجش سبک‌های زندگی توسط پژوهشگران مختلف، شاخص‌های متنوعی به کار رفته است. وی این شاخص‌ها را به شرح زیر طبقه‌بندی کرده است: (۱) مصرف فرهنگی، (۲) فعالیت‌های فراغت، (۳) شاخص‌های پراکنده که شامل مدیریت بدن، الگوهای خرید، نام‌گذاری کودکان، رفتار خانوادگی، و الگوی مصرف غذا می‌شود (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۸-۱۲۷).



### نتایج تحقیق

جدول شماره ۱ توزیع فراوانی نظرات پاسخگویان را به گویه‌های سازنده تصور بدن نشان می‌دهد. نمره‌ها از صفر (کاملاً مخالف) تا چهار (کاملاً موافق) امتداد داشته‌اند. بیشترین میانگین مربوط به «زنان باید توجه بیشتری به اندامشان داشته باشند» با میانگین  $m=3/15$  و انحراف معیار  $(SD=0/88)$  است. کمترین میانگین مربوط به گویه «دخترانی که آرایش نمی‌کنند، دیرتر ازدواج می‌کنند» با میانگین  $m=0/115$  و انحراف معیار  $(SD=0/998)$  است. این مطلب نشان می‌دهد که اگرچه زنان معتقدند باید توجه بیشتری به بدنشان داشته باشند اما اعتقاد چندانی به این امر ندارند که باید لباس‌های بدن‌نما در انتظار دیگران بیوشند.

جدول شماره ۱. گویه‌های مورد استفاده برای سنجش متغیر وابسته

انحراف معیار	میلگین	بیشترین	کمترین	گویه‌های تصور از بدن
۱/۲۳	۲/۳۳	۴	۰	از اندامم راضی هستم.
۱/۰۹	۱/۱۵	۴	۰	دخترانی که آرایش نمی‌کنند، دیرتر ازدواج می‌کنند.
۱/۱۸	۲/۱۷	۴	۰	باید از لباس‌های مُد روز استفاده کرد.
۱/۰۲	۳/۰۳	۴	۰	بر اساس موقعیت باید آرایش کرد.
۰/۹۳۱	۲/۶۲	۴	۰	من زیبا هستم.
۱/۶۲۵	۲/۸۷	۴	۰	ارزیابی مثبتی از خود دارم.
۰/۹۰۵	۲/۶۳	۴	۰	خوش قیافه به نظر می‌رسم.
۰/۹۰۷	۲/۸۸	۴	۰	احساس می‌کنم که یک انسان ارزشمندم.
۰/۹۴۸	۲/۷۸	۴	۰	از ظاهر خودم راضی هستم.
۱/۲۸۰	۱/۸۹	۴	۰	زنانی که آرایش می‌کنند، در بازار کار زودتر شغل به دست می‌آورند.
۱/۲۴۵	۱/۵۹	۴	۰	زنان آرایش کرده در محی‌ط‌های شغلی غی‌ردولتی موفق‌تر هستند.
۱/۱۰۴	۱/۳۵	۴	۰	مردم به کسی که آرایش نمی‌کند اعتنایی نمی‌کنند.
۱/۱۹۹	۱/۴۲	۴	۰	زنانی که زی‌باترند، نمره بی‌شتری از اساتید (معلم‌ها) خود می‌گی‌رند.
۱/۱۱۶	۱/۳۰	۴	۰	زنانی که آرایش می‌کنند در جامعه موفق‌تر هستند.
۱/۲۰۳	۲/۳۵	۴	۰	از وسایل آرایشی که مرا زیباتر نشان دهند، استقبال می‌کنم.
۱/۱۹۹	۲/۴۵	۴	۰	از راه‌های جدید برای جذاب‌تر شدن استقبال می‌کنم.
۰/۸۷۹	۳/۱۵	۴	۰	زنان باید توجه بیشتری به اندامشان داشته باشند.
۱/۱۵۴	۱/۶۹	۴	۰	من صورت بدون آرایش را بر صورت آرایش‌کرده ترجیح می‌دهم.
۱/۲۴۴	۱/۴۲	۴	۰	زنان در صورت لزوم برای زی‌باتر شدن باید جراحی زی‌بایی انجام دهند.
۱/۰۰۳	۲/۶۱	۴	۰	مردم به اندام ظریف توجه می‌کنند.
۱/۲۱۵	۲/۲۰	۴	۰	لاغری اندام نشانه زیبایی است.
۱/۲۱۹	۱/۹۷	۴	۰	افراد چاق در جامعه انگشت‌نما می‌شوند.



برای بررسی و یافتن عوامل طیف سبک‌های زندگی از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد (جدول شماره ۲). بر پایه نتایج این تکنیک، پنج عامل به دست آمد که به ترتیب رفتارهای مذهبی، استفاده از موسیقی‌های مدرن، مشارکت‌های اجتماعی و فرهنگی، اوقات فراغت و در نهایت استفاده از موسیقی‌های سنتی ایرانی و جاز داخلی نام‌گذاری شدند. بر اساس نتیجه جدول شماره ۲ و با توجه به آماره K.M.O در تمام ابعاد، می‌توان نتیجه گرفت داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب بوده و نتیجه آزمون بارتلت نیز معنی‌دار است. در واقع، میزان خطا  $\text{Sig} = 0/01$  دارای سطح معناداری بالا و سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد است. به عبارت دیگر، کلیه عناصر به‌کاررفته برای هر بُعد، قدرت تبیین‌کنندگی مورد نظر را برای متغیر وابسته داشته‌اند.

جدول شماره ۲. نتایج تحلیل عاملی سبک زندگی در بین زنان شهر شیراز

نتیجه کلی آزمون KMO	ابعاد سبک زندگی	عامل های سبک زندگی					اجزای سبک زندگی
		عامل پنجم	عامل چهارم	عامل سوم	عامل دوم	عامل اول	
۰.۸۷۱=O.M.K ۰.۰۰۱=Sig	مذهبی					۰/۷۶۵	شرکت در نماز جماعت
						۰/۷۳۲	همکاری با هیئت های دینی
						۰/۷۳۲	گوش دادن به برنامه های مذهبی رادیو داخلی
						۰/۷۲۱	حضور در مسجد کلیسا، کنیسه
						۰/۷۲۰	تماشای برنامه های مذهبی تلویزیون داخلی
						۰/۷۱۸	حضور در مکان های زیارتی
						۰/۶۶۰	شرکت در جلسه ها یا سفره های مذهبی
						۰/۶۴۱	مطالعه کتاب های علمای دینی
						۰/۵۴۶	حضور در نیروی بسیج
						۰/۴۹۷	انجام فعالیت های مذهبی دو خانه
						۰/۴۶۷	شرکت در انجمن های محلی و...
	فعالیت های ورزشی - موسیقایی مادران					۰/۷۶۵	گوش دادن به موسیقی جاز و رپ
						۰/۶۶۲	گوش دادن به موسیقی هوی متال
						۰/۶۳۷	گوش دادن به موسیقی پاپ ایرانی لوس آنجلسی
						۰/۶۲۷	گوش دادن به موسیقی خارجی کلاسیک
						۰/۵۲۵	ورزش والیبال، بسکتبال، کوهنوردی
						۰/۴۸۵	حضور در کتابخانه
	مشارکت اجتماعی - فرهنگی					۰/۷۴۴	انجام فعالیت هنری مانند نقاشی، نوازندگی، خیاطی و...
						۰/۷۰۸	حضور در کلاس نقاشی، خطاطی، موسیقی
						۰/۶۸۵	حضور در نمایشگاه های مختلف (نقاشی، خطاطی و...)
						۰/۵۸۶	همکاری با انجمن های علمی، ادبی یا هنری
						۰/۵۰۷	کلاس زبان های خارجی یا آموزش رایانه و نرم افزارهای آن
						۰/۵۰۶	کلاس آشپزی، گل آرایی، سفره آرایی و...
	وقایع فراغت					۰/۷۵۳	حضور در پارک ها و تفریح گاه ها
						۰/۶۷۷	گشت و گذار در خیابان ها
						۰/۴۶۱	حضور در مهمانی های دوستانه
						۰/۴۳۶	صرف غذا در رستوران ها و فست فودها
						۰/۴۳۲	در کنار دوستان هم جنس
						۰/۴۱۴	در کنار دوستان غیر هم جنس
						۰/۳۳۴	حضور در سینماها و تئاترها
	موسیقایی سنتی					۰/۸۲۲	گوش دادن به موسیقی سنتی ایرانی (مانند شجریان و...)
					۰/۷۶۸	گوش دادن به موسیقی مجاز پاپ ایرانی (مرحوم عبدالهیی، عصار و...)	





جدول شماره ۳ به بررسی عوامل درونی طیف تصور از بدن پرداخته است. چنانکه مشاهده می‌شود، با کمک تکنیک تحلیل عاملی تهیه شده در نرم‌افزار SPSS پنج عامل مشخص می‌شوند. نخستین عامل بُعد را که می‌توان بُعد آرایش نام نهاد، شامل هفت گویه می‌شود. سایر عوامل بُعد ابزار زیبایی و آرایش، رضایت از بدن، ارزیابی از خود، و در نهایت نگرش مردم به بدن هستند. با توجه به آماره K.M.O در تمام ابعاد، می‌توان گفت داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب بوده و نتیجه آزمون بارتلت نیز معنی‌دار است. در واقع، میزان خطا  $\text{Sig}=0/01$  دارای سطح معناداری بالا و سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد است؛ به عبارت دیگر، تمامی عناصر به‌کاررفته برای هر بُعد، قدرت تبیین‌کنندگی مورد نظر را برای متغیر وابسته داشته‌اند.

جدول شماره ۳. نتایج تحلیل عاملی تصور بدن در بین زنان شهر شیراز

نتیجه کلی آزمون KMO	بُعد تصور بدن	عوامل های تصور بدن					اجزای تصور بدن
		عامل پنجم	عامل چهارم	عامل سوم	عامل دوم	عامل اول	
۰/۷۹۶ ۰/۰۰۱/۰/۰۰۱ ۰/۰۰۱/۰/۰۰۱ ۰/۰۰۱/۰/۰۰۱ ۰/۰۰۱/۰/۰۰۱ ۰/۰۰۱/۰/۰۰۱ ۰/۰۰۱/۰/۰۰۱ ۰/۰۰۱/۰/۰۰۱ ۰/۰۰۱/۰/۰۰۱ ۰/۰۰۱/۰/۰۰۱ ۰/۰۰۱/۰/۰۰۱ ۰/۰۰۱/۰/۰۰۱ ۰/۰۰۱/۰/۰۰۱ ۰/۰۰۱/۰/۰۰۱	بُعد آرایش					۰/۷۱۳	مردم به کسی که آرایش نمی‌کند اعتنا نمی‌کنند.
						۰/۷۰۷	زنانی که آرایش می‌کنند در جامعه موفق‌تر هستند.
						۰/۷۰۳	زنان آرایش کرده در محیط‌های شغلی غیردولتی موفق‌تر هستند.
						۰/۷۰۲	زنانی که آرایش می‌کنند، در بازار کار زودتر شغل به دست می‌آورند.
						۰/۶۹۸	زنانی که زیباترند، نمره بیشتری از اساتید خود می‌گیرند.
						۰/۶۹۰	دخترانی که آرایش نمی‌کنند، دیرتر ازدواج می‌کنند.
						۰/۴۴۴	زنان در صورت لزوم برای زیباتر شدن باید جراحی زیبایی انجام دهند.
	بُعد ابزار زیبایی و آرایش					۰/۸۳۰	از وسایل آرایشی که مرز زیباتر نشان دهند، استقبال می‌کنم.
						۰/۷۵۲	از راه‌های جدید برای جذاب‌تر شدن استقبال می‌کنم.
						۰/۵۸۲	باید از لباس‌های مُد روز استفاده کرد.
						۰/۵۶۵	زنان باید توجه بیشتری به اندامشان داشته باشند.
						۰/۵۴۲	من صورت بدون آرایش را بر صورت آرایش‌کرده ترجیح می‌دهم.
						۰/۵۱۱	بر اساس موقعیت باید آرایش کرد.
رضایت از بدن					۰/۷۶۶	از اندامم راضی هستم.	
					۰/۷۵۳	خوش‌قیافه به نظر می‌رسم.	
					۰/۵۶۲	ارزیابی مثبتی از خودم دارم.	
ارزیابی از بدن					۰/۶۹۸	احساس می‌کنم انسان ارزشمندی هستم.	
					۰/۶۸۶	من زیبا هستم.	
					۰/۶۲۲	مردم به اندام ظریف توجه می‌کنند.	
نگرش مردم به بدن					۰/۷۱۱	افراد چاق در جامعه انگشت‌نما می‌شوند.	
					۰/۶۰۱	لاغری اندام نشانه زیبایی است.	
					۰/۵۹۰		



در اینجا برای بررسی فرضیه‌های تحقیق از تکنیک‌های آمار استنباطی استفاده شد. جدول شماره ۴ تفاوت میانگین تصور زنان از بدنشان را بر اساس وضعیت تأهل می‌سنجد. چنانکه داده‌های جدول نشان می‌دهد، میانگین نمره زنانی که مجرد هستند، بیشتر است ( $m=50/53$ ). لذا رابطه معنی‌داری بین وضعیت تأهل و تصور زنان از بدنشان وجود دارد. مقدار T این جدول ( $T = 3/25$ ) در سطح ۹۵ درصد اطمینان ( $sig = 0/001$ ) معنی‌دار است.

جدول شماره ۴. تفاوت میانگین تصور زنان از بدنشان بر اساس وضعیت تأهل

سطح اطمینان	مقدار T	میانگین	تعداد موارد	متغیر مستقل
0/001	3/25	50/53	157	مجرد
		47/21	248	متاهل

جدول شماره ۵ تفاوت میانگین تصور زنان از بدنشان را بر اساس موقعیت طبقاتی‌شان نشان می‌دهد. آماره‌های جدول نشان می‌دهد بین طبقات مختلف اجتماعی بر اساس میانگین تصور از بدنشان تفاوت معنی‌داری در سطح بیش از ۹۹ درصد اطمینان وجود دارد. مقدار F جدول ( $F = 11/386$ ) در سطح ۹۵ درصد اطمینان ( $Sig = 0/000$ ) معنی‌داری است. حساسیت اعضای طبقه اجتماعی بالا بیش از سایر طبقات بوده است.

جدول شماره ۵. تفاوت میانگین تصور زنان از بدنشان بر اساس موقعیت طبقاتی

سطح معنی‌داری	مقدار F	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	متغیر مستقل
0/000	11/386	10/38	65/60	15	طبقه بالا
		10/22	55/29	288	طبقه متوسط
		10/19	51/98	86	طبقه پایین

جدول شماره ۶ نشان‌دهنده رابطه همبستگی بین سبک‌های مذهبی، سبک‌های فراغتی، سبک‌های مشارکتی، سبک‌های سنتی موسیقی و سبک‌های مدرن موسیقی با متغیر وابسته (تصور از بدن) است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در سطح ۹۵ درصد اطمینان، بین سبک‌های مذهبی، فراغتی، مشارکتی و موسیقی مدرن و تصور بدن رابطه معنی‌داری وجود دارد. در این میان سبک مذهبی با متغیر وابسته دارای رابطه منفی است. دیگر متغیرها رابطه مثبت دارند. از سوی دیگر متغیر سبک سنتی موسیقی دارای رابطه معنی‌داری با تصور بدن نبوده است. آماره‌های جدول نشان می‌دهد پاسخگویانی که منزلت شغلی بالاتری دارند، نسبت به بدن حساسیت کمتری دارند. نتایج نشان می‌دهند درآمد و تحصیلات والدین با تصور بدن پاسخگویان دارای رابطه معنی‌دار مثبتی است. همچنین با افزایش فرزندان حساسیت زنان نسبت به بدنشان افزایش می‌یابد و توجه بیشتری به آن می‌کنند.



جدول شماره ۶. همبستگی بین انواع سبک‌های مختلف و برخی از متغیرهای زمینه‌ای با تصور از بدن

متغیر مستقل	تصور از بدن	متغیر مستقل	تصور از بدن
سبک‌های مذهبی	-۰/۲۰۸**	منزلت شغلی پاسخگو	-۰/۲۰۲**
سبک‌های فراغتی	۰/۲۵۳**	درآمد پدر پاسخگو	۰/۲۱۱**
سبک‌های مشارکتی	۰/۱۳۹**	درآمد مادر پاسخگو	۰/۱۵۱**
سبک‌های مدرن موسیقی	۰/۲۵۹**	تحصیلات پدر پاسخگو	۰/۱۹۷**
تعداد فرزندان	۰/۱۸۹**	تحصیلات مادر پاسخگو	۰/۱۳۶**

\*\*\*  $p > ۰/۰۱$

جدول شماره ۷ نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره را به شیوه مرحله به مرحله برای متغیر وابسته تصور از بدن نشان می‌دهد. داده‌های جدول نشان‌دهنده آن است که از میان متغیرهای مستقل (ابعاد مختلف سبک زندگی)، به ترتیب تنها سه متغیر سبک‌های فراغتی، مذهبی و مدرن موسیقی وارد معادله شده‌اند. با توجه به آماره‌های جدول، سبک‌های فراغتی نزدیک به ۱۶ درصد از تغییرات تصور از بدن را توضیح می‌دهد. همچنین همبستگی مثبت این متغیر با متغیر وابسته بیش از ۲۶ درصد بوده است. با ورود متغیر سبک‌های مذهبی که دارای رابطه منفی با متغیر وابسته بوده، توان مدل برای تبیین آن به نزدیک ۲۱ درصد افزایش یافته است. در نهایت این مدل با سه متغیر فوق بیش از ۲۲/۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

جدول شماره ۷. متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون برای تبیین واریانس تصور از بدن

مراحل ورود متغیرها	متغیر	R	R <sup>2</sup>	مقدار F	F Sig	Beta	T	Sig. T
اول	سبک‌های فراغتی	۰/۳۹۶	۰/۱۵۷	۴۲/۳۱۴	۰/۰۰۰	۰/۲۶۳	۳/۵۹۲	۰/۰۰۰
دوم	سبک‌های مذهبی	۰/۴۵۵	۰/۲۰۷	۲۹/۴۸۸	۰/۰۰۰	-۰/۲۰۱	-۳/۳۴۰	۰/۰۰۱
سوم	سبک‌های مدرن موسیقی	۰/۴۷۵	۰/۲۲۶	۲۱/۸۸۱	۰/۰۰۰	۰/۱۷۴	۲/۳۴۴	۰/۰۲۰

## بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر رابطه سبک زندگی را به‌عنوان یکی از شاخصه‌های فرایند جهانی شدن با تصور بدن در بین زنان شهر شیراز مورد بررسی قرار داده است. نظریه‌های مورد استفاده بیشتر برگرفته از آرای آنتونی گیدنز بود. با استفاده از چارچوب نظری تحقیق و مطالعات پیشین، هفت فرضیه ارائه می‌شود. روش اجرای پژوهش پیمایش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه بود. در ابتدا برای مشخص کردن سبک‌های مختلف زندگی در بین آزمودنی‌ها از تکنیک تحلیل عامل استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده نشان دادند پنج نوع سبک زندگی عمده «مذهبی»، «فعالیت‌های



ورزشی - موسیقیایی مدرن»، «مشارکت اجتماعی - فرهنگی»، «اوقات فراغت» و «موسیقیایی سنتی» در بین پاسخگویان قابل مشاهده بودند. همچنین با تکنیک تحلیل عامل، پنج بُعد در گویه‌های سازنده تصور از بدن ملاحظه شد که عبارت بودند از: «بُعد آرایش»، «بُعد ابزار زیبایی و آرایش»، «بُعد رضایت از بدن»، «بُعد ارزیابی از بدن»، و «نگرش مردم به بدن».

در ابتدا به بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای با تصور زنان از بدنشان پرداخته شد. نتایج نشان داد از میان متغیرهای مورد بررسی وضعیت تأهل، موقعیت طبقاتی، منزلت شغلی پاسخگو، تحصیلات و درآمد والدین، تعداد فرزندان و در نهایت سبک‌های مختلف (مذهبی، فراغتی، مشارکتی، مدرن موسیقی) در سطح تحلیل دومتغیره با متغیر تصور بدن دارای رابطه معنی داری بوده‌اند. در میان سبک‌ها تنها سبک مذهبی با متغیر تصور بدن رابطه‌ای منفی داشته اما دیگر سبک‌ها دارای رابطه مثبت بوده‌اند. روابط بین متغیرهای موجود در تحقیق با استفاده از تکنیک آماری رگرسیون چند متغیری مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج به دست آمده نشان داد از میان متغیرهای موجود در معادله به ترتیب تنها سبک‌های فراغتی، مذهبی و مدرن موسیقی توانسته‌اند در معادله باقی مانده و بر روی هم نزدیک به ۲۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته (تصور بدن) را در میان نمونه مورد مطالعه از زنان ساکن شهر شیراز تبیین کنند.

مطالعه حاضر نشان داد سبک‌های زندگی که بیشتر گرایش‌های نوگرایانه داشته‌اند، رابطه معنی دار مثبتی با متغیر تصور بدن داشته‌اند. مطالعات پیشین نیز به نوعی نشان داده‌اند کسانی که تحت تأثیر نوگرایی غربی قرار گرفته‌اند، توجه بیشتری نسبت به بدن و مسائل آن از خود نشان داده‌اند (خواجه‌نوری و مقدس، ۱۳۸۸؛ ذکائی و دیگران، ۱۳۸۶، هس-بیر و همکاران، ۲۰۰۴). همچنین سبک‌های مذهبی در مطالعه حاضر دارای رابطه منفی با تصور بدن بوده‌اند. مطالعه آزاد ارمکی و چاوشیان (۱۳۸۱) نیز نشان داده که دیانت و نگرش‌های سنتی با تصور از بدن دارای رابطه منفی معنی داری بوده‌اند.

در ایران سبک‌های متفاوتی از زندگی در بین مردم رایج شده که بسیاری از آنها متأثر از فرهنگ‌های غیر بومی و یا ترکیبی از فرهنگ‌های سایر فرهنگ‌ها با فرهنگ ایرانی بوده است. هرچه نسبت این ترکیب و وزن آن به سمت فرهنگ‌های سایر جوامع و به‌ویژه غربی باشد، ما با رویکردهای جدیدی به بدن و تصور از آن روبه‌رو می‌شویم. دلیل این امر آن است که برخی از افراد و گروه‌های اجتماعی که انتخاب‌هایی می‌کنند، عمدتاً به نحوی الگوبرداری از رفتارهای جوامع دیگر است و بدین سان ذائقه آنها نیز تغییر خواهد کرد. این افراد در تنظیم رفتار خود در



فعالیت‌های روزمره‌شان تحت تأثیر سبک‌های زندگی در فرامرزهای ایران قرار می‌گیرند. بدین جهت است که رویکرد به بدن برای این افراد از مرزهای صحت و سلامتی فرارفته و به آن به شکل رسانه‌ای می‌نگرند که می‌تواند نه تنها بیان هویتشان باشد، بلکه سایرین را با استفاده از آن تحت تأثیر خود قرار دهند (خواجه‌نوری و مقدس، ۱۳۸۸؛ سوامی و همکاران، ۲۰۰۸).

با توجه به اینکه چنین افراد مجردی دارای میانگینی بیش از زنان متأهل بوده‌اند و با عنایت به اینکه افراد مجرد معمولاً دارای سنینی کمتر از افراد متأهل هستند، این امر می‌تواند از آن جهت باشد که این حساسیت در بین جوانان بیشتر از سایر طبقات سنی است و از سوی دیگر آنها معمولاً بیشتر تحت تأثیر فرایند جهانی شدن و رسانه‌های آن هستند (خواجه‌نوری و مقدس، ۱۳۸۸). همچنین از آنجاکه با افزایش تعداد باروری‌ها حساسیت زن‌ها نسبت به بدنشان نیز بیشتر می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت آنها در شرایطی که به تدریج جامعه بر روی زیبایی و خوش‌شکلی (فرم) بدن تأکید بیشتری دارد، نگران موقعیت خود در جامعه و خانواده هستند. البته لازم است در مورد این فرض مطالعات بیشتری انجام گیرد. در نهایت با توجه به نتایج تحقیقاتی که در سایر کشورها انجام شده و عوارض بیمارگونه حساسیت به بدن و شکل ظاهری آن که برای گروه‌های سنی به‌ویژه جوانان در سایر کشورها رخ داده، می‌توان نتیجه گرفت اگر این روند در جامعه ایرانی تحت کنترل عالمانه قرار نگیرد و جوانان را نسبت به آن آگاهی ندهیم، عواقب دردناکی را در بین آنها خواهیم یافت، کما اینکه در حال حاضر جراحی‌های زیبایی چهره، از یک سو هزینه‌های سنگینی برای خانواده‌ها به بار آورده و از سوی دیگر به دلیل ناموفق بودن بسیاری از این اعمال جراحی، صدمات جبران‌ناپذیری برای تعدادی از جوانان ایجاد شده است.



## منابع

- آزاد ارمکی، ت. و ح. چاوشیان (۱۳۸۱) «بدن به مثابه هویت»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، سال چهارم، شماره ۴، صص ۷۵-۵۷.
- اباذری، ی. و ح. چاوشیان (۱۳۸۱) «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی، رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۲۷-۳.
- برهانی، ف.، عباس‌زاده، ع.، کهن، س.، گلشن، م. و ا. درتاج رابری (۱۳۸۶) «بررسی رابطه سبک زندگی و شاخص توده بدنی در جوانان شهر کرمان»، *پژوهش پرستاری*، دوره ۲، شماره‌های ۶ و ۷، صص ۷۲-۶۵.
- سرایبی، ح. و ر. یورجیلی (۱۳۸۶) «بررسی مقایسه‌ای سبک زندگی دو قوم کرد و آذری، مورد مطالعه قوم کرد و آذری شهر ارومیه»، *فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی*، سال سوم، شماره ۱۳، صص ۱۱۴-۸۶.
- خواجه‌نوری، ب. (۱۳۸۵) *بررسی رابطه مؤلفه‌های جهانی شدن و مشارکت اجتماعی زنان، مطالعه موردی تهران، شیراز و استهبان*، پایان‌نامه دکتری دانشگاه شیراز، دانشکده علوم اجتماعی.
- خواجه‌نوری، ب. و ع. ا. مقدس (۱۳۸۸) «رابطه بین تصور از بدن و فرایند جهانی شدن، مطالعه موردی زنان شهرهای تهران، شیراز و استهبان»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم، شماره ۱، صص ۲۴-۱.
- خواجه‌نوری، بی. و ع. ا. مقدس (۱۳۸۵) «جهانی شدن و مشارکت سیاسی زنان در ایران، نمونه مورد مطالعه: تهران، شیراز، استهبان»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال چهارم، شماره ۲، صص ۷۱-۴۵.
- خواجه‌نوری، ب. و ع. ا. مقدس (۱۳۸۸) «جهانی شدن و سرمایه اجتماعی زنان»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال پنجم، شماره ۲، صص ۱۵۴-۱۳۱.
- خواجه‌نوری، ب. (۱۳۸۶) «تأثیر فرایند جهانی شدن بر تقسیم کار خانگی، نمونه مورد مطالعه: زنان متأهل در شهرهای تهران، شیراز و استهبان»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال سوم، شماره ۲، صص ۲۳-۱.
- ذکایی، م. س. و ح. فرزانه (۱۳۸۷) «زنان و فرهنگ بدن»، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال چهارم، شماره ۱۱، صص ۵۹-۴۳.
- ذکایی، م. س. (۱۳۸۷) «جوانان، بدن و فرهنگ تناسب»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، سال اول، شماره اول، صص ۱۴۱-۱۱۷.
- ربانی، ر. و ح. شیرینی (۱۳۸۸) «اوقات فراغت و هویت اجتماعی: بررسی جامعه‌شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان در تهران»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، سال دوم، شماره ۸، صص ۲۴۲-۲۰۹.
- رفعت‌جابه، م. (۱۳۸۶) «هویت انسانی زن در چالش آرایش و مد»، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، سال نهم، شماره ۳۸، صص ۱۷۱-۱۳۵.
- فاضلی، م. (۱۳۸۲)، *مصرف و سبک زندگی*، قم: انتشارات صبح صادق.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۰۰

دوره چهارم  
شماره ۱  
بهار ۱۳۹۰



- قاسمی، ع.، مؤمنی، م. و ح. ر. خانکه (۱۳۸۸) «مقایسه تصویر بدنی معلولین ورزشکار با معلولین و غیر معلولین غیر ورزشکار مرد»، *فصلنامه توانبخشی*، سال اول، شماره ۴، صص ۳۱-۲۶.
- قلعه‌بندی، م. ف. و ع. افخم ابراهیمی (۱۳۸۳) «الگوهای شخصیتی متقاضیان زیبایی»، *فصلنامه روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۹-۴.
- محمدی، ن. و م. ا. سجادی‌نژاد (۱۳۸۶) «ارزیابی شاخص‌های روان‌سنجی پرسشنامه نگرانی درباره تصویر بدنی و آزمون مدل ارتباطی شاخص توده بدنی، نارضایتی از تصویر بدنی و عزت نفس در دختران نوجوان»، *مطالعات روان‌شناختی*، سال سوم، شماره ۱، صص ۸۳-۹۹.
- منادی، م. (۱۳۸۸) «نقش دانش و شناخت در زندگی روزمره، مقایسه موردی: خانواده‌های تحصیلکرده و کم‌سواد تهرانی»، *فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران*، سال دوم، شماره ۱، صص ۱۱۰-۱۰۷.
- کوزر، ل. (۱۳۸۷) *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۵) *تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، مترجم: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- (۱۳۷۷) *پیامدهای مدرنیت*، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- مولوی، ج. م. م. (۱۳۸۲) *ترجمه و تفسیر مثنوی معنوی شرح انور*، مترجم: حیدر عباسی، تهران: هما.
- مختاری، م. (۱۳۸۸) *نظریه زمینه تصور بدنی زنان: چرا زنان اقدام به جراحی زیبایی می‌کنند؟ مورد مطالعه: زنان تحت عمل جراحی زیبایی در شهر شیراز*، رساله دکتری، دانشگاه شیراز، بخش جامعه‌شناسی.
- یونسی، ج. و ا. سلاجقه (۱۳۸۰) «تصویر ذهنی از بدن در زنان بارور و نابارور»، *فصلنامه باروری و ناباروری*، صص ۲۱-۱۴.
- Archibald, A. B., Graber, J. A., & Brooks-Gunn, J. (1999) "Associations among Parent Adolescent Relationships, Pubertal Growth, Dieting, and Body Image in Young Adolescent Girls: A Short-Term Longitudinal Study", *Journal of Research on Adolescence*, Vol. 9(-): 395-415.
- Attie, I., & Brooks-Gunn, J. (1989) "Development of Eating Problems in Adolescent Girls: A longitudinal Study", *Developmental Psychology*, Vol. 25(-): 70-79.
- Bahram, A. & Shafizade, M. (2006) "A Comparative and Corrolational Study of the Body Image in Active and Inactive Adults and Body Composition and Soatotype", *Journal of Applied Science*, Vol. 6 (-): 2456-2460.
- Botta, R. A. (2003) "For Your Health? The Relationship between Magazine Reading and Adolescents' Body Image and Eating Order, Disturbance", *Sex Roles*, Vol. 48 (9/10): 389-399.
- Brown, T. A., Cash, T. F., & Mikulka, P. J. (1990) "Attitudinal body image assessment: Factor analysis of the Body Self-Relations Questionnaire", *Journal of Personality Assessment*, Vol.55 (-): 135-144.
- Chaney, D. (1996) *Lifestyle*, London, Routledge.

- Cash, T. F., & Strachan, M. D. (2002) *Cognitive-behavioral approaches to changing body image*, In T. F. Cash & T. Pruzinsky (Eds.), *Body Image: A Handbook of Theory, Research, and Clinical Practice*, New York: Guilford Press.
- Garner, D., & Garfinkel, P. (1980) "Socio-Cultural Factors in the Development of Anorexia Nervosa", *Psychological Medicine*, Vol. 10 (-): 647-656.
- Garner, D., Garfinkel, P., Schwartz, D., & Thompson, M. (1980) "Cultural Expectations of Thinness in Women", *Psychological Report*, Vol.47 (-): 483-491.
- Garner, D., & Kearney-Cooke, A. (1996) "Body Image" *Psychology Today*, Vol. 29(-): 55-56.
- Glazer, R. N. (1992) "Women's Body Image and Law", *Duke Law Journal*, Vol. 43(1): 113-147.
- Grogan, S. (1999) *Body Image: Understanding Body dissatisfaction in Men, Women and Children*, London: Routledge.
- Hargreaves, D., tiggemann, M. (2006) "Body Image is for Girls: A qualitative Study of Boys' Body Image", *Journal of Health Psychology*, Vol. 11( 4):567-576.
- Haworth-Hoepfner, Susan (2000) "The Critical Shapes of Body Image: The Role of Culture and Family in the Production of Eating Disorders", *Journal of Marriage and the Family*, Vol. 62(-):212-227.
- Hesse-Biber, S. N., Howling, S. A., Leavy, P., Lovejoy, M. (2004) "Racial Identity and the Development of Body Image Issues among African American Adolescent Girls", *The Qualitative Report*, Vol. 9 (1): 49-79.
- Huang, J, Norman, G. J., Zabinski, M. F., Calfas, Karen, Kevin Patrick, (2007) "Body Image and Self-Esteem among Adolescents undergoing an Intervention Targeting Dietary and Physical Activity Behaviors", *Journal of adolescent health*, Vol. 3 (40): 245-251.
- Jung, Jaehee, Seung-Hee Lee (2009) Ross-Cultural Comparisons of Appearance Self-Schema, Body Image, Self-Esteem, and Dieting Behavior Between Korean and U. S. Women, *Family and Consumer Sciences Research Journal*, Vol. 34(-): 350-365.
- Katzman, M. A., Lee, S. (1997) *Beyond Body Image: The Integration of Feminist and Transcultural Theories in the Understanding of Self Starvation*, New York, John Wiley & Sons.
- Levinson, R., Powell, B. & Steelman, L. C. (1986) "Social Location, Significant others and Body Image among Adolescents", *Social Psychology Quarterly*, Vol. 49(4): 330-337.
- Machin, D. & Leeuwen, T. V (2005) "Language Style and Lifestyle: The Case of a Global Magazine", *Media, Culture & Society*, Vol. 27 (4): 577-600.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۰۲

دوره چهارم  
شماره ۱  
بهار ۱۳۹۰





- Nemeroff, C. J., Stein, R. I., Diehl, N. S., & Smilack, K. M. (1994) "From the Cleavers to the Clintons: Role Choices and Body Orientation as Reflected in Magazine Article content, *International Journal of Eating Disorders*, Vol. 16(-): 167-176.
- Nettelton, S. (1998) *Body in Everyday Life*, London and New York: Routledge.
- Nezlek, J. B (1999) *Body Image and day-to-day Social Interaction*, *J Pers*, 67, 793-817.
- Petrie, T. A., Austin, L. J., Crowley, B. J., Helmcamp, A., Johnson, C. E., Lester, R., Rogers, R. Turner, J., & Walbrick, K. (1996) "Socio Cultural Expectations of Attractiveness for Males", *Sex Roles*, Vol. 35(-):581-602.
- Sotoudeh, G., Khorshid, S., Karbakhsh, Khaje Nasiri, F., and Khalkhali, H. R. (2008) "What Women Think About Their Husbands' Opinions Might Influence Women's Body Image, An Explorative Study", *Indian Journal of Medical Science*, Vol. 65(3):98-104.
- Swami, V., Hadji-Michael, M., Furnham, A. (2008) "*Personality and Individual Correlates of Positive Body Image*, *Body Image in Press*, pp. 1-4.
- Tiggemann, Marike and Eha Ruutel (2001), "A Cross-Cultural Comparison of Body Dissatisfaction in Estonian and Australian Young Adult, Its Relationship with Media Exposure", *Journal of Cross Cultural Psychology*, Vol. 23 (6):-.
- Wiseman, C., Gray, J., Mosimann, J., & Anthony Ahrens, A. (1992) "Cultural Expectations of Thinness in Women: An update, "*International Journal of Eating Disorders*, 11, pp. 85-89.